

کام ایر

کام ایر بزرگترین شرکت هوایی خصوصی کشور در خدمت شما میباشد

مهمانداران داخلی و خارجی •
شبکه وسیع پروازهای داخلی و خارجی •
طیارات مدرن •
خدمات عالی •

4422 +93799974422
www.kamair.com
helpdesk@kamair.com
/ kamair

صدای مردم

افغانستان

هفته نامه

سال ششم/شماره ۲۴۸/یکشنبه/۲۸ میزان ۱۳۹۸
Sun/ 20 Oct, 2019/ Vol 06 / No. 248

خبر

کمیسیون حقوق بشر حمله بر مسجدی در ننگرهار را «جرائم جنگی» خواند

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اعلام کرده است که حمله بر مسجدی در ولسوالی «هسکه مینه» ی ولایت ننگرهار مصداق «جنایت علیه بشریت» و «جرائم جنگی» است. در اعلامیهی این کمیسیون که دیروز (شنبه، ۲۷ میزان) منتشر شده، آمده است که انفجار روز گذشته در ننگرهار ناشی از دو حلقه ماین جاسازی شده در مسجد بوده است. به نقل از اعلامیه، در این رویداد ۶۲ غیرنظامی کشته و ۶۰ غیرنظامی دیگر زخمی شدهاند. در اعلامیه آمده است: «این حمله به دلیل قساوتی که در آن به کار رفته است (دو انفجار پی هم ماین جاسازی شده در میان نمازگزاران) و کمیت و کیفیت قربانیان (۶۲ کشته و ۶۰ تن زخمی با سنین متفاوت)، مصداق جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی است».

کمیسیون حقوق بشر همچنان گفته است که کشتار جمعی مردم در «عبادتگاهها» و حمله بر مناسبتهای اجتماعی و گردهماییهای مردمی، نشاندهندهی اعمال مجرمانه هدفمند و سیستماتیک ضد بشری است. به نقل از اعلامیه، کمیسیون مستقل حقوق بشر با ابراز نگرانی از افزایش روزافزون تلفات غیرنظامیان، گفته است که گزارشهای نظارتی این کمیسیون و گزارشهای رسانهها و نهادهای داخلی و بینالمللی، نشاندهندهی افزایش روزافزون شمار تلفات غیرنظامیان در سال جاری است. کمیسیون مستقل حقوق بشر از طرفهای درگیر خواستار رعایت حقوق بشر و حقوق بینالملل بشردوستانه شده است. این کمیسیون از نهادهای مسئول کشفی، امنیتی و قضایی نیز خواسته است که برای شناسایی عاملان، بازداشت و پیگرد عدلی و قضایی آنان بهطور همهجانبه تحقیق کنند.

انفجار در یک مسجد در منطقهی «جودره» ی ولسوالی هسکه مینه حوالی ساعت ۱:۳۰ دقیقهی روز (جمعه، ۲۶ میزان) هنگام نماز جمعه رخ داد. منابع امنیتی در ننگرهار به رسانهها گفته بودند که در نتیجهی این انفجار سقف مسجد نیز فروریخته است. دفتر مطبوعاتی والی ننگرهار پیشتر اعلام کرده بود که در نتیجهی این انفجار ۶۲ غیرنظامی کشته و ۳۶ غیرنظامی دیگر زخمی شدهاند.

پاکسازی بیشتر از ۱۵ روستا از وجود طالبان در بغلان

وزارت دفاع ملی در یک اعلامیهی گفته است، که در ادامهی عملیات نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغان تا اکنون ۱۶ قریه در «دند شهاب الدین»، «دندغوری» و کلیه گی از وجود طالبان پاکسازی شده است. در این اعلامیه آمده است که در دندغوری قریههای عربها، ملایان، وردکها و بخش از جوی نو از کنترل طالبان آزاد شدهاند. این اعلامیه افزوده است، که در منطقه دند شهاب الدین قریههای خوگیانی، میاگان، شارچه، سیمانور، گس وارا و منگاخیل از وجود طالبان پاکسازی شدهاند.

این اعلامیه همچنان میافزاید، که در منطقه کیلهگی قریه علیخیل دوباره به دست نیروهای افغان افتاده است و در منطقه چشمه شیر قریه ملایان، ابراهیم خیل و منگک بهگونه کامل از وجود طالبان پاکسازی شدهاند. اعلامیه وزارت دفاع ملی همچنان از کشته شدن بیشتر از ۲۰ طالب و زخمی شدن دهها تن دیگر آنها خبر می دهد. نیروهای ملی دفاعی و امنیتی عملیاتهای شانرا علیه طالبان شدت بخشیدند که در نتیجه این عملیاتها ساحات و ولسوالیهای زیاد از وجود طالبان در ولایتهای شمال و شمالشرق از وجود طالبان پاکسازی شده است.

کردهای سوریه ترکیه را به نقض آتشبس متهم کردند

به نقل از بی بی سی فارسی؛ نیروهای کرد در شمال شرقی سوریه ترکیه را به نقض آتشبس متهم کرده و گفتهاند نیروهای ترکیه مانع خروج غیرنظامیان از منطقه شدهاند. کردها گفتهاند باید یک راهرو بشردوستانه برای خارج کردن مردم شهر راس العین ایجاد می شد اما چنین اتفاقی نیفتاده است. آنها گفتند خارج کردن مردمان غیرنظامی و زخمیهای درگیریهای اخیر از این شهر «غیرممکن شده است». در مقابل ترکیه هم نیروهای کرد را چندین بار به نقض آتشبس متهم کرده است. ترکیه روز پنجشنبه موافقت خود را برای توقف عملیات نظامی به مدت ۵ روز اعلام کرد. قرار است در این مدت نیروهای کرد از مناطق مرزی عقبنشینی کنند. رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه گفته است کشورش ۱۲ پست بازرسی و دیدبانی در شمال شرقی سوریه ایجاد خواهد کرد. آقای اردوغان گفته است «منطقه امن» مورد نظر ترکیه فراتر از آن چیزی است که مقامهای آمریکایی گفتهاند. این اظهارات رئیس جمهوری ترکیه چندین ساعت پس از موافقت او با یک آتشبس ۵ روزه در منطقه صورت گرفت. طبق این توافق آتشبس، نیروهای کرد حاضر در منطقه امکان خروج از آن را می یابند.

ابهام در کار کمیسیون مستقل انتخابات؛ «نتیجهی ابتدایی» در بیست و هفتم میزان اعلام نشد



صفحه

آیا این بار «دوست و دشمن» شناسایی می شود؟



صفحه

برگی از تاریخ؛ کاپیتان مدد کی بود؟



صفحه

با حفظ شفافیت، از بحران انتخاباتی جلوگیری کنید



صفحه

باید به درک مشترکی از صلح برسیم

روستایی

فارغ از این که طرف اصلی جنگ کدام گروه است، تجربه نشان داده، که در جنگهای اخیر افغانستان، افراد ملکی و جمعیت غیرنظامی، آسیب پذیرترین بخش جامعه هستند. این وضعیت به طرح این پرسش می رسد، که با وصف تلاشها برای آغاز مجدد گفت وگوهای صلح، آیا طرفهای درگیر جنگ افغانستان، به درک مشترکی از صلح رسیدهاند؟ پاسخ منفی است. هم طالبان و هم گروههای هم سو با آنان، به اصول و قوانین جنگ باور ندارند. جنایتهای جنگی که در گوشه و کنار کشور اتفاق می افتد، مصداق عینی بی باوری این گروهها به حقوق و قوانین جنگ است. اگر به جریان نوعیت جنگ در گوشه و کنار کشور دقت شود، به خوبی دیده می شود، که مردم در گذر این سالها، تا آنجا زخم خورده و رنج کشیده اند، که در صورت ادامهی جنگ، باور به زندگی مسالمت آمیز در این سرزمین به مفهوم واقعی کلمه در شرایطی که تمامی نگاهها به سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری معطوف است، اتفاقات ناگواری در گوشه و کنار کشور رخ می دهد. روز جمعه (۲۶ میزان)، هنگام نماز جمعه، انفجار وحشتناکی در داخل یکی از مساجد ولایت ننگرهار به وقوع پیوست. براساس اطلاعات که منابع امنیتی به رسانهها داده اند، تلفات این انفجار به ۶۲ کشته و ۶۰ زخمی رسیده است. احتمال این که آمار تلفات بالا برود، وجود دارد. این در حالی است، که از چند ماه به این طرف، آمار تلفات افراد ملکی در کشور افزایش یافته و در بسیاری از حملات، جمعیت غیرنظامی هدف قرار می گیرند. نوعیت حملات ماههای اخیر نشان می دهد، که گروههای درگیر جنگ با دولت افغانستان، به هیچ اصل حقوق بشری تعهد ندارند.



با حفظ شفافیت، از بحران انتخاباتی جلوگیری کنید

افغانستانی‌ها، از پنج‌سال به این طرف یکی از طاقت‌فرساترین دوره‌های حیات جمعی‌شان را تجربه کرده‌اند. پس از روزگاران سیاه، ظلمانی و دشوارگذر حاکمیت طالبان، با شکل‌گیری نظم جدید، مردم برای مدتی نفس راحتی کشیدند، با آسودگی خاطر به‌سوی کار و زندگی‌شان برگشتند و به‌پیشواز دموکراسی و مردم‌سالاری، آغوش باز گشودند، تا شاید رسم رنج‌آور و دیرپای زندگی در این سرزمین، که از سال‌ها پیش به این‌طرف خونین بود، تغییر کند و این‌گونه سرنوشت ساکنان این سرزمین با آزادی و صلح گره خورد. این خوش‌بینی از یک‌دهه‌ونیم بیشتر دوام نکرده؛ آشوب و رسوایی انتخابات ۲۰۱۴، این امیدواری و خوش‌بینی را با خود برد. نتیجه‌ی انتخابات به بحران برده شد؛ مردم‌سالاری را به‌گروگان گرفتند و به رأی و اراده‌ی مردم دست‌برد زدند. ۲۰۱۴ گذشت، اما اتفاقات انتخابات آن سال، یک‌درس بزرگ را برای تاریخ به‌یادگار گذاشت؛ دموکراسی و مظاهر آن، هیچ‌گاهی نباید دست کم گرفته شود، این ارزش، می‌رفت تا قاعده و محور روابط اجتماعی و سیاسی میان بازی‌گران قدرت و مردم این سرزمین را که از سال‌ها به این سو یا خون و خشونت عجین بود، مسالمت‌آمیز بسازد.

نگاه‌مدیران انتخابات سال ۲۰۱۴ میلادی به دموکراسی و مردم‌سالاری به‌جای این که ارزشی بوده باشد، استفاده‌جویانه بود. به همین دلیل، نتیجه و برآیند آن انتخابات، جز بی‌اعتمادی و پراکندگی میان مردم و کنش‌گران سیاسی، چیزی دیگری نبود. این پراکندگی از تابستان ۱۳۹۳ شروع و با گذشت هر روز جدی و جدی‌تر شد. با شکل‌گیری حکومت وحدت ملی، در حقیقت امر دوره‌ی آغاز شد، که پیامد آن برای مردم بی‌اتفاقی، مرگ دسته‌جمعی، آوارگی و سرگردانی بود. این دوره‌ی پنج‌سال، به‌مثابه‌ی سال‌های تلخ و طلسم‌شده‌ای است، که انگار تمامی ندارد. اکنون مردم از جنگ و خشونت خسته شده و از ادامه‌ی این وضعیت به‌ستوه آمده‌اند.

با این اوصاف اما انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان، فرصتی بود/است، که به این دور باطل نقطه‌ی پایان بگذارد. هرچند تا این دم شک‌وت‌دریدهای بسیاری نسبت به این پروسه وجود داشته و مردم با نگرانی و بی‌ رغبتی روند جمع‌بندی آرا را به‌نظاره نشسته‌اند، اما امیدواری حداقلی نسبت به پایان خوب و خوش پروسه‌ی انتخابات در دل مردم کماکان زنده است.

براساس تقویم انتخابات ریاست‌جمهوری، باید شنبه (۲۷ میزان) نتیجه‌ی ابتدایی انتخابات اعلام می‌شد، این کار اما به‌دلایلی به‌تعمیق افتاده است. تعویق در برنامه‌ی اعلام نتیجه‌ی ابتدایی انتخابات، پیام امیدوارکننده‌ای برای مردم و طرفه‌های شریک در پروسه ندارد. از همین حالا، میزان بدبینی و بی‌اعتمادی مردم و دسته‌های انتخاباتی نسبت به کار نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات (کمیسیون انتخابات) و کمیسیون شکایات انتخاباتی (بیشتر شده و بی‌باوری نسبت به شفافیت در روند تفتیش و بازشماری آرا چندبرابر شده است. برآیند این وضعیت، جز بحران انتخاباتی چیزی دیگری بوده نمی‌تواند. هرگاه انتخابات ریاست‌جمهوری سال جاری چون انتخابات ۲۰۱۴ میلادی به بحران برود، پس‌لرزه‌های این بحران به‌مراتب آزاردهنده‌تر و بنیادبراندازتر از بحران سال ۲۰۱۴ خواهد بود.

فراموش نشود، که وضعیت امنیتی در گوشه‌وکنار کشور شکننده است، بازار کار کساد است، عصبیت قومی و سمتی نسبت به گذشته جدی‌تر شده، مردم از تنگ‌دستی و بدآمنی به‌ستوه آمده و بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی حیات جمعی افغانستانی‌ها را بیشتر از هر زمان دیگر تهدید می‌کند. در چنین وضعیتی، اگر ادعا شود، که زنگ فروپاشی و سقوط در کام هرج‌ومرج به‌صدا درآمده است، گزافه‌گویی نخواهد بود. بنابراین، آن‌چه به دست‌اندرکاران پروسه‌ی انتخابات بر می‌گردد، حفاظت و صیانت از آرای مردم و اراده‌ی شهروندان این سرزمین است. مدیران کمیسیون‌های انتخاباتی با هر قدمی که بر می‌دارند و هر تصمیمی را که می‌گیرند، باید به‌یاد داشته باشند، که سرنوشت جمعی و دست‌آوردهای هژده‌ساله‌ی اخیر تحت هیچ‌شرایطی نباید به قمار گذاشته شود.

ابهام در کار کمیسیون مستقل انتخابات؛ «نتیجه‌ی ابتدایی» در بیست‌وهفتم میزان اعلام نشد

امیرپناهیان



در همین حال مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات روز جمعه هفته‌ی گذشته، اعلان نمودند که نتایج ابتدایی انتخابات ریاست‌جمهوری با تأخیر، همگانی خواهد شد. آن‌ها تأکید کردند، که جزئیات کارشان را با مردم افغانستان شریک خواهند ساخت. براساس معلومات منابع آگاه از درون کمیسیون مستقل انتخابات، روز جمعه‌ی هفته‌ی گذشته، تفتیش آرای ۲۳۰۰ دستگاه شناخت بیومتریکی که قبل قرنطین شده بود، آغاز گردیده است.

به بانک اطلاعات مرکزی این نهاد انتقال یافته و کار شمارش آرای قرنطین‌شده نیز ادامه دارد. با تمام این وجود به نظر می‌رسد، که سرنوشت سیاسی و جمعی مردم افغانستان وابسته به تصمیم کمیسیون‌های انتخاباتی در پیوند به شمارش آرا و دسته‌بندی نتایج آن بوده و هرگونه دخالت سیاسی، می‌تواند بر سرنوشت عمومی تأثیر منفی بگذارد. در حال حاضر، نگرانی جدی مردم افغانستان از تقلب‌های سازمان‌یافته‌ی شماری از افراد بلندپایه‌ی دولتی و نیز دست‌کاری افراد به آرای مردم در درون کمیسیون مستقل انتخابات است. اگر کمیسیون‌های انتخاباتی نتوانند، جلو دخالت و نفوذ تیم‌ها و حلقه‌های سیاسی را در امور مربوط به اعلام نتیجه‌ی انتخابات بگیرند، افغانستان یک‌بار دیگر با بحران‌های فراگیر روبه‌رو خواهد شد.

بر این اساس برای کمیسیون‌های انتخاباتی عملی نمودن موارد زیر می‌تواند راه‌گشا باشد. ۱- آرای استفاده‌شده، باید براساس سنجش بیومتریکی و دستگاه‌های شناخت، حساب شود. آرای مشکوک باید شناسایی و قرنطین گردد. رهبری کمیسیون مستقل انتخابات باید بدانند، که سرنوشت عمومی افغانستان به دست آنان در طی روزهای آینده رقم خواهد خورد. از این رو مسوولیت تاریخی این مهم به عهده‌ی تیم کنونی در کمیسیون مستقل انتخابات است.

۲- باید فرصت‌ها و زمینه‌های مناسب برای حضور ناظران در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و روند شمارش آرا به‌صورت شفاف فراهم گردد، تا ناظران با آسودگی و بدون فشار بتوانند از جریان شمارش و پروسه آرا نظارت نموده و از تخلفات جلوگیری نمایند.

۳- نهادهای همکار بین‌المللی باید به‌صورت مستقیم و طی میکانیزم مشخص از روند شمارش آرا و ثبت آن‌ها در سرور مرکزی کمیسیون انتخابات، نظارت نمایند. در صورتی که نتایج انتخابات در حضور ناظران ملی و بین‌المللی به بحران رود، بی‌اعتمادی مردم نسبت به دموکراسی و مردم‌سالاری بیش‌تر از پیش خواهد شد.

۴- هرگاه ناظران یا کارمندان در شمارش آرا دخالت نمایند، باید میکانیزم عملی طرح گردد تا مطابق آن با افراد متقلب برخورد شود.

این نامزدان ضمن تأکید بر توجه جدی و دقت لازم در شمارش آرا از سوی مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی، تصریح کردند که این کمیسیون‌ها در برابر آزمون بزرگ و تاریخی قرار داشته و باید با ایستادگی و شجاعت به کارشان ادامه دهند. این همه در حالی بود، که چندی قبل، حوا علم نورستانی، رییس کمیسیون مستقل انتخابات، تأکید کرد که آرای بیومتریک معیار اصلی برای شمارش در مرکز جمع‌بندی نتایج و سرور مرکزی کمیسیون مستقل انتخابات بوده و این تصمیم براساس فیصله‌ی قانونی و طرز‌العمل‌های اداری کمیسیون مستقل انتخابات اتخاذ شده است.

در این میان، نمایندگی‌های سیاسی مقیم کابل، با تأکید بر حفظ استقلالیت کمیسیون‌های انتخاباتی در شمارش آرا و نیز اعلان نتیجه‌ی آن، از موضع کمیسیون مستقل انتخابات مبنی بر شمارش آرای بیومتریک استقبال کردند. سفیر ایالات متحده‌ی امریکا روز سه‌شنبه‌ی هفته‌ی قبل با حضور در کمیسیون مستقل انتخابات، جریان شمارش آرا و دسته‌بندی نتایج را از نزدیک مشاهده نموده و از کارکرد این نهاد ابراز رضایت کرد. هم‌چنین این مقام بلندپایه‌ی خارجی بر حفظ نتایج واقعی و اعلام به موقع آن تأکید کرده و از حمایت همه‌جانبه‌ی سفارت امریکا مقیم کابل از اعلان نتیجه‌ی واقعی مطابق آرای بیومتریکی خبر داد.

در همین حال مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات روز جمعه هفته‌ی گذشته، اعلان نمودند که نتایج ابتدایی انتخابات ریاست‌جمهوری با تأخیر، همگانی خواهد شد. آن‌ها تأکید کردند، که جزئیات کارشان را با مردم افغانستان شریک خواهند ساخت. براساس معلومات منابع آگاه از درون کمیسیون مستقل انتخابات، روز جمعه‌ی هفته‌ی گذشته، تفتیش آرای ۲۳۰۰ دستگاه شناخت بیومتریکی که قبل قرنطین شده بود، آغاز گردیده است. این منابع هم‌چنین تأیید می‌کنند، که ناظران دسته‌ی انتخاباتی محمد اشرف غنی، روز جمعه‌ی هفته‌ی گذشته، روی چگونگی شمارش آرا و دسته‌بندی آن با مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات درگیر شده و روند شمارش آرا پس از توقف اندک دوباره آغاز گردیده است.

این همه در حالی اتفاق می‌افتد، که براساس گزارش‌های منتشرشده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات، تا کنون داده‌های بیش از یک میلیون و هفت‌صد هزار رأی از دستگاه‌های شناخت بیومتریک

انتخابات ریاست‌جمهوری با اصرار حکومت وحدت ملی و شخص رییس‌جمهور غنی به تاریخ ششم میزان برگزار شد. این انتخابات هرچند در فضای امنیتی نسبتن مناسب و با تدابیر خاص امنیتی دایر گردید اما میزان اشتراک مردم در سطح عموم و نسبت به انتخابات‌های پیشین به صورت چشم‌گیر کم‌رنگ بود. شماری از کارشناسان و ناظران انتخاباتی معتقدند، که دلیل اصلی عدم اشتراک مردم در انتخابات، نبود شفافیت لازم در کمیسیون‌های انتخاباتی و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به این نهادها می‌باشد.

با آن هم براساس آماری که کمیسیون مستقل انتخابات، ساعتی پس از ختم روند رأی‌دهی، ارائه داد، نزدیک به دومیلیون نفر از میان ۹ میلیون ثبت‌نام‌کننده در این دور انتخابات، به‌پای صندوق‌های رأی رفتند. ناظرین شماری از دسته‌های انتخاباتی این رقم را غیرواقعی می‌دانند و تأکید دارند که سطح اشتراک رأی‌دهندگان از رقم اعلام‌شده کم‌تر است. در همین حال و پس از ختم پروسه رأی‌دهی، کار شمارش آرا و جمع‌بندی نتیجه‌ی انتخابات در سرور مرکزی کمیسیون مستقل انتخابات شروع گردید. براساس تقویم انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات باید نتیجه‌ی ابتدایی انتخابات ریاست‌جمهوری را در ۲۷ میزان (شنبه) و نتیجه‌ی نهایی را در ۱۶ عقرب سال جاری اعلان کند.

اما مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات، روز جمعه‌ی هفته‌ی قبل، تأکید کردند که مرحله پروسه آرا به صورت مجموعی تمام نشده و نتیجه‌ی ابتدایی با تأخیر اعلام خواهد شد. این در حالی است، که شورای نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری طی نشست‌های تأکید کردند، که در مقابل هرگونه تقلب و تخلف انتخاباتی در هر سطحی مقابله خواهند کرد. آنان ضمن حمایت از موضع رهبری کمیسیون مستقل انتخابات مبنی بر شمارش آرای بیومتریک، هشدار دادند، که اجازه‌ی تقلب‌های سازمان‌یافته در روند شمارش آرا و تحلیل نتیجه را برای هیچ تیم انتخاباتی نخواهند داد. هم‌چنین این شورا در دیدار با مسوولان نهادهای بین‌المللی از جمله یوناما (دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد) و سفیر ایالات متحده‌ی امریکا در کابل، بر حمایت از شمارش آرای بیومتریک و توجه جدی نهادهای همکار بین‌المللی بر حفظ شفافیت و تصحیح آرای پاک تأکید کردند.

کاپیتان مدد کی بود؟

گردآورنده: عبدالخالق آزاد

سید محمد موسوی که در جریان سال ۱۳۵۷ه.ش، (۱۹۷۸م) از کوئته ی پاکستان، مرکز بلوچستان پاکستان، سفری به افغانستان داشته، در سفرنامه ی مفصلش راجع به هزاره های قندهار و غزنی معلومات قابل توجه را به یادگار گذاشته است.

وی که روایت اش را با خط زیبا و اما در اختلاط با واژه های زبان انگلیسی، اردو و گویش خاص هزاره های کوئته نگاشته از رسیدن اش به شهر قندهار و از ملاقات اش با کاپیتان مدد، که چوک معروف شهر قندهار به نام او مسمی است، حکایت زیبایی دارد.

کاپیتان مدد در آن سال، مرد کهن سالی می باشد، که عمرش از یک صد و ده (۱۱۰) سال گذشته اما روی اعصاب اش مسلط بوده و در مورد زندگی اش به تفصیل معلومات داده است. سید محمد جواد موسوی که در این سال ها عضویت تنظیم نسل نو هزاره را داشته، بنا به گمان غالب از آن جا وظیفه گرفته است تا افغانستان رفته و راجع به چگونگی زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هزاره ها گزارشی را تهیه نماید. این گزارش که متأسفانه چاپ و به دست نشر سپرده نشده است، روایت دقیق از چشم دیدهای یک گزارش گر بی طرف می باشد، که زندگی رقت بار یک ملیت تحت ستم را به خوبی انعکاس داده است. وی زیر عنوان یادداشت سفر و یا گزارشی در مورد اقوام هزاره افغانستان می نویسد:

از کوئته که عازم افغانستان شدم، طبق دستوری که به بنده داده شده بود، چوک مدد را پیدا کردم، بعد خانه مدد را پیدا کردم. او که معروف به کاپیتان (CAPTAIN) مدد می باشد، بنا به گفته ی خودش عمرش از یک صد و ده سال گذشته است. کاپیتان مدد از شاهدان عینی جنگ عبدالرحمن با هزاره ها بوده است. بنا به ادعای کاپیتان در جریان ۷ سال جنگ امیر با هزاره ها، وی در آن جنگ شرکت داشته از آن رو باید متولد سال های دهی ۱۸۶۰ بوده باشد.

در جواب این سوال که چه وقت به قندهار آمده و کدام زمان در این شهر مقیم گردیده، می گوید: در دوران جوانی در قندهار ساکن گردیده ام. او که از اعضای یکی از خانواده های معروف هزاره های ارزگان بوده، علاوه بر شرکت در جنگ ارزگان علیه امیر کابل، از شرکت اش در چندین جنگ دیگر هم یاد نموده است. وی در جنگ های که شرکت نموده، جنگ ها را بنا به خصلت قومی، اعتقادی و سیاسی اش چنین تعریف کرده است: جنگ زمینداور: این جنگ بین قوم افغان (پشتون) و قوم هزاره بود، که کاپیتان آن را جنگ داخلی و قومی نامیده است.

جنگ فرنگی: این جنگ بین دولت افغانستان و انگلیس بوده، که بنا به قول موصوف در مرز کنونی افغانستان و پاکستان در منطقه ی سپین بولدک رخ داد. در این جنگ که انگلیسی ها روی حصار نظامی دولت افغانستان حمله و آن را تخریب کرد، قریب به یک صد و پنجاه مدافع حصار را اسیر و به همان تعداد کشته و زخمی و یا فراری داد.

جنگ منگل: در این جنگ که قبیله ی منگل با هزاره ها داشته، احتمالاً در جریان بغاوت قبایل جنوبی بر ضد امان الله می باشد، که قطعات رزمی هزاره از امیر کابل حمایه می کرد. جنگ ملای گد: کلمه ی گد در افغانستان به کسی اطلاق می شود، که از ناحیه ی پا و یا دست معیوب و ناقص العضو باشد. اما موسوی در روایت اش آن را به واژه ی مثل (فلج) نسبت داده، که ملای مخالف حکومت کابل به آن مشکل دچار بوده است. بنا به آن روایت این جنگ را از آن رو جنگ ملای گد می گویند، که جنگ با اعلام فتوی جهاد علیه امیر کابل توسط آن ملا آغاز گردید. کاپیتان، آن ملا را پشتون خوانده است. موسوی در روایت اش از شرکت کاپیتان در جنگ دوم با انگلیس ها و یا از هیاهوی سوم با برتانیه به خوبی معلومات نداده است.

او در روایت اش می گوید: ناگفته نماند، که در جنگ فرنگی یعنی جنگ دوم این شخص (کاپیتان) بعد از کشتن چند انگلیسی اسیر شده و بعد از دست گیری چندوقتی در قید انگلیس بوده و از آن جا با گرفتن تفنگ محافظ فرار کرده و به طرف افغانستان آمده است. تا جای که به مطالعات نگارنده ارتباط می گیرد، جنگ دوم در ولایت قندهار همان جنگ میوند است، که هزاره ها ستون فقرات اصلی آن را تشکیل می داد و فرماندهی قطعه ی سواره آن جنرال شیر محمد هزاره بود، که مانور سوارکاران او که تعدادش را منابع موثق چهار هزار سوار می گویند، در سال ۱۸۷۹ اتفاق افتاده که یقیناً کاپیتان در آن سال باید عمرش در حدود ده سال باشد. اما از این که از بولدک اسیر گردیده، اصولاً باید در جنگ سوم بوده باشد، که انگلیس ها پیش از رسیدن فرماندهی امیر از کابل، فرماندهی حصار سپین بولدک را غافل گیر و بر او حمله و افرادش را دستگیر می سازد.

او پیش از فرار، مدتی را در افغانستان گذرانده و بعد بار دیگر به هند برتانوی رفته و شامل قطعات نظامی هزاره که انگلیس ها نام آن را (Hazarah Poinior) گذاشته اند، به قطعات شماره ۲۴، ۲۶ و آن ایفای وظیفه نموده است. در این جا و رتبه ی نظامی (Captain) داشته است. نویسنده ای که از شهرت و تجربه ی او تعریف می کند، می نویسد: «در آخرین انقلابی که در افغانستان آمده است و دولت افغانستان جمهوریت شده است، کاپیتان مدد را در کابل خواسته و به عوض کارها و خدماتی که انجام داده از طرف دولت چیزی به او انعام نیز داده شده است.» در این جا نیز روایت گر مشخص نکرده، داوود او را به کابل خواسته یا خلقی ها، زیرا هر دو نظام دیکتاتوری شان را آرایش جمهوری داده بودند.

آیا این بار «دوست و دشمن» شناسایی می شود؟

محمد نسیم نظری



در معنای معاصر، صلح یک آرمان جهانی تلقی شده و وابسته به دیدگاه های فرهنگی و شرایط ویژه اجتماعی می باشد. به گفته ی باروخاسپینواز، صلح دیگر به معنی قطع جنگ نیست؛ بلکه فضیلتی است، که از نیروی جان مایه می گیرد و همان طور که آزادی، به زندانی نبودن نیست، صلح هم به معنای نبودن جنگ نیست.

این همه اما اتفاقات بعدی که با پیام توییتری ناگهانی ترمپ کلید خورد، کلیت معادله را به کلی تغییر داد. اکنون که افغانستان انتخابات ریاست جمهوری را گذرانده و در آستانه ی اعلان نتایج ابتدایی آن از سوی نهادهای انتخاباتی قرار دارد، به نظر می رسد که پروسه ی صلح و گفتگو با طالبان، حداقل در شرایط کنونی اولویت هیچ نهاد دولتی و بین المللی نیست. تیم های پیشتاز در انتخابات، منتظر پیروزی شان در انتخابات و احراز کرسی ریاست جمهوری بوده و به ندای دیگری گوش نمی دهند و نهادهای بین المللی نیز با حمایت از کمیسیون های انتخاباتی، بر تفکیک آرای ناپاک از آرای پاک تأکید دارند.

با تمام این وجود، آنچه موضوع مورد بحث در میز گفتگوها در شرایط کنونی اند، سرنوشت انتخابات و پروسه ی صلح در کشور است. از این جهت لازم است توضیح کوتاهی پیرامون مفهوم صلح ارائه گردیده و

گفتمانی که امروز توسط نمایندگان

امریکا به راه افتاده و تلاش برای

رسیدن به توافق نامهی سیاسی با

طالبان وجود دارد، نمایندگان دو

طرف، باید در جزئیات به تشخیص

دوست و دشمن و نیز تعریف واضح

آن ها توجه جدی نموده و زمینه های

شناخت و تشخیص این مهم را فراهم

سازد.

زمینه های آن در بستر اجتماعی افغانستان تحلیل و بررسی شود.

واژه ی صلح در اصطلاح قدیم پارسی به معنای آشتی و در تقابل با واژه ی حرب و جنگ استعمال شده است. اما پس از تحولات علمی و نوگرایی های چشم گیر بشری در عرصه های فرهنگی و علمی، این اصطلاح نیز تغییر و گسترش یافته است. در دوران معاصر، مفهوم صلح با تفکرات شرق آسیایی و بعدها با تفکرات مسیحی که صلح درونی را معرفی می کند، آمیخته شده است. در این معنی صلح به شرایط آرام، بی دغدغه و خالی از تشویش، کشمکش و ستیز گفته می شود.

در معنای معاصر، صلح یک آرمان جهانی تلقی شده و وابسته به دیدگاه های فرهنگی و شرایط ویژه ی اجتماعی می باشد. به گفته ی باروخاسپینواز، صلح دیگر به معنی قطع جنگ نیست؛ بلکه فضیلتی است، که از نیروی جان مایه می گیرد و همان طور که آزادی، به زندانی نبودن نیست، صلح هم به معنای نبودن جنگ نیست.

در یک نگاه متفاوت تر می توان صلح را از دو دیدگاه علمی نیز تعریف کرد.

۱- صلح در علم حقوق: صلح در این علم عبارت از فرایندی قانونی است، که براساس استانداردهای حقوقی، طرفین قضیه پس از مذاکرات و توافقات شفاهی، روی برخی اصول کلی به توافق می رسند و این توافق براساس یک متن معتبر و قابل قبول برای دوطرف با امضای آن ها نهایی و همگانی می گردد.

۲- در اصطلاح سیاسی؛ صلح عبارت از اقدامات دیپلماتیک هماهنگی و جدی در مورد خاص، با هدف دستیابی به صلح بوده، که این اقدامات را در اصطلاح سیاسی «صلح کوشی» می نامند.

زمینه های صلح واقعی: صلح واقعی زمانی در افغانستان ایجاد خواهد شد، که موارد زیر به صورت اساسی در آن تبلور یابد.

۱- ایجاد فرهنگ صلح؛ بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، فرهنگ صلح عبارت از مجموعه ای از ارزش ها، نگرش ها، رفتارها و روش های زندگی است، که خشونت را نفی نموده و از منازعه پیش گیری می کند و نیز می کوشد ریشه های درگیری را شناسایی نموده و از طریق گفتمان و گفتگو بین افراد آن را حل نماید.

۲- حکومت داری خوب؛ اصطلاح حکومتداری خوب، یک اصطلاح کاملن جدید در علم سیاست و بحث های تئوری توسعه بوده، که شامل مشارکت، برابری، پاسخگویی، حاکمیت قانون، موثریت و شفافیت می گردد. این مفاهیم هرچند به لحاظ تئوریک دارای جنبه ها و ابعاد گسترده بوده، که نیاز به فرصت و امکانات بیشتری دارد؛ با آن هم پروسه ی صلح و گفتمان برخواسته از آن برای رسیدن به هدف در سطح مباحث تئوریک به این مفاهیم و تلفیق آنان در گستره ی قلمرو صلح خواهی، ضرورت داشته و باید این موارد در گفتمان های صلح عملی گردد.

۳- تشخیص وحمایت از منافع ملی؛ منافع ملی براساس فهم جدید عبارت از یک حقیقت بنیادی در زیربنایی ترین رفتار شهروندان نسبت به حکومت و حاکمیت بوده، که جز لاینفک مباحث حقوق شهروندی می باشد. هر ملت با توجه به فهم مشترک شان از منافع ملی و ارزش های آن نیازمند حمایت از آن می باشد. گفتمان صلح باید منافع ملی و حقوق شهروندی مردم افغانستان را به صورت کامل حفظ و از آن حمایت نماید.

۴- اساسی ترین بحث در روش های حل منازعات که یک رشته ی جدید در محافل علمی امروزی است، بحث از شناخت دوست و دشمن در منازعات می باشد. گفتمانی که امروز توسط نمایندگان امریکا به راه افتاده و تلاش برای رسیدن به توافق نامهی سیاسی با طالبان وجود دارد، نمایندگان دو طرف، باید در جزئیات به تشخیص دوست و دشمن و نیز تعریف واضح آن ها توجه جدی نموده و زمینه های شناخت و تشخیص این مهم را فراهم سازد.



متناسب بودن مجازات با شخصیت مجرم

جمشید همیش «اصلان» / بخش دوم و پایانی

اشاره: بخش اول این مقاله، به دلیل مشکلات ویرایشی، با نام «سالم بهنود» نشر شده است. ضمن برطرف ساختن این مشکل، بخش دوم و پایانی مقاله، به نام نویسنده ی آن «جمشید همیش اصلان» نشر می شود.

فصل دوم: جرم یک امر اجتماعی است

هرچند جرم را نمی توان یک امر طبیعی و غریزی و حتمی الوقوع محسوب کرد، یعنی عملی دانست که تحت قاعده و قانون بوده و در شرایط خاص انجام گرفته و غیرقابل اجتناب باشد. مثل قوانین طبیعی مع الوصف می توان جرم را یک امر اجتماعی دانست و قبول کرد. اگر اجتماع نباشد، جرمی وجود نخواهد داشت. اگر محیط مساعد و سالم باشد، فرد پرهیزکار خواهد بود، لیکن بازهم باید توجه کرد که عامل اصلی ارتکاب جرم خود اجتماع نیست. در ریشه و اعماق جرایم همیشه اعمال افراد انسانی جلوه گری می نماید، که همراهِ هم نوعان خود عصبان نموده و در نتیجه نظم جامعه را مختل می کنند.

تحلیل و تجزیه ی جنبه اجتماعی جرم: گفتیم جرم نظم اجتماع را مختل می نماید و هر جرمی که اتفاق بیفتد جامعه از آن متضرر می گردد. این جرایم گاهی مستقیم اتفاق می افتد، نظیر وقوع جرایم علیه مصالح مملکتی و گاهی غیرمستقیم، مثل جرایم ارتكابی علیه افراد درست است، که در جرایم نوع اخیر مجنی علیه ظاهرن افراد اجتماع بوده و جامعه مستقیم هدف جرم قرار نمی گیرد ولی باید بخاطر داشته باشیم، که اجتماع از افراد تشکیل شده و برای صیانت حقوق و آزادی های افراد مقرراتی وضع می نماید، اگر این قواعد نقض شود و حقوق افراد پامال گردد، واضح است که اجتماع نیز در کنار مجنی علیه متضرر شده. با توجه به مراتب هر عملی ولو این که در ظاهر فقط افراد را متضرر سازد، فی نفسه بر خلاف نظم عمومی و اجتماعی محسوب می شود.

برای اختلال نظم عمومی ضروری نیست، که عمل خلاف قانون انجام گرفته باشد. اگر کسی با اعمال و رفتار خود نظم اجتماع را به صورت جدی تهدید نماید و احتمال آن رود که مرتکب جرمی خواهد شد، باید به اجتماع حق داد تا از وقوع آن جلوگیری کند. با الهام از این فکر تکدی و ولگردی را مجازات کرده اند. دیوانگان و اشخاص مختل المشاعر و معتادان به الکل و تریاک و حشیش و هرئین باید در شرایط تعیین شده زنده گی کرده و به صورت دایمی تحت مراقبت و مواظبت باشند تا نتوانند مرتکب جرم شوند. زیرا اگر جنبه ی قضایی جرم ایجاب می کند، که مجرم مجازات گردد، پدیده ی اجتماعی می خواهد که از وقوع جرم پیشگیری گردد، باید اجتماع در برابر تجاوزات افراد تضمین داشته باشد.

یاد آور شدیم که جرم یک امر اجتماعی است و در اجتماع به وجود می آید ولی مقصر اصلی اجتماع نیست.

فصل سوم: نقش شخصیت انسانی

در ذات و نهاد هر فردی که مرتکب جرم می شود، شخصیتی جلوه گری می نماید، به نام شخصیت انسانی. متأسفانه مطالعه و بررسی قوانین موجود در اغلب ممالک متمدن نشان می دهد، که قانون گذاران وجود یک اراده ی کامل معینی توأم با تصور و رضا را برای مجازات مجرمان کافی دانسته اند و توجه به علت و یا انگیزه ی ارتکاب و تأثیر آن در مقدار و نوع مجازات نکرده اند و شاید به همین علت باشد، که در مبارزه با جرم شکست خورده و مغلوب شده اند. درست است، که در ارتکاب جرم نقش مهم را بازی می نمایند ولی

برای تعیین علت و یا انگیزه ی ارتکاب جرم، مجرم باید از نظر روحی تحت آزمایش قرار بگیرد و شخصیت متهم در نظر قضایی روشن گردد. چرا که عوامل داخلی و خارجی در رشد و کمبود شخصیت موثر می باشد. قضایی جزایی بعد از سنجش کلیه ی عوامل مذکور و اخذ نظریه ی روان شناس و روانکاو و علم و معرفت حقیقی به علت شرایط ارتکاب جرم، مجازات متناسب تعیین خواهد نمود.

آن چه که برای اجتماع خطرناک می باشد، علتی است که مجرم را به ارتکاب جرم وا می دارد.

برای مبارزه مثرم با مجرمیت و ریشه کن کردن جرایم، باید اول انگیزه ی ارتکاب جرم معلوم گردد، آن گاه مجازات متناسب با آن تعیین شود، به عبارت دیگر باید مرض را تشخیص داد و آنگاه درمان کرد.

برای تعیین علت و یا انگیزه ی ارتکاب جرم، مجرم باید از نظر روحی تحت آزمایش قرار بگیرد و شخصیت متهم در نظر قضایی روشن گردد. چرا که عوامل داخلی و خارجی در رشد و کمبود شخصیت موثر می باشد. قضایی جزایی بعد از سنجش کلیه ی عوامل مذکور و اخذ نظریه ی روان شناس و روانکاو و علم و معرفت حقیقی به علت شرایط ارتکاب جرم، مجازات متناسب تعیین خواهد نمود. مثلن امراض نظیر سفلیس اراده ی فرد را ضعیف کرده اند و در نتیجه مرتکب جرم شده، تغییر محیط جغرافیای تأثیر در ریشه کن کردن جرم و از بین بردن آن نخواهد داشت و یا اگر جرم مولود پریشان وضع اقتصادی است، محکومیت به جزاهای تبعی از قبیل منع استخدام دولتی و غیره بی فایده است. اگر شرایط زندگی و کار و دوستان و یا محیط اجتماعی که مجرم در آن متولد و بزرگ شده، تأثیر در جرم داشته، مداوای روحی و فکری مجرم عبث خواهد بود.

از مجموع آن چه که گذشت، معلوم می گردد که مقنن هنگام تدوین قانون جزا باید دو موضوع را که در ظاهر مغایر اند، مورد توجه قرار دهد. یعنی از طرفی باید نظم جامعه را در برابر آسیب ها و جرایم حفظ نماید و از طرف دیگر حقوق و آزادی های افراد را تضمین کند. به نظر می رسد برای تأمین این منظور بهتر است، بین دونظریه ی قضایی و انسانی جرم تعدیل و از هر دونظر

استمداد خواست. به این ترتیب که در تعیین اعمال ممنوعه از نظر قضایی استفاده کرد و با قبول اصل منع عقاب بلا بیان، جرایم را دقیقن تعیین و معرفی کرد. لیکن در تعیین مجازات و نوع و اندازه ی آن باید قاضی آزادی عمل بیشتری داشته و با توجه به شخصیت مجرم و با در نظر گرفتن این که جرم یک امر اجتماعی است، مجازات تعیین نماید.

برای شناسایی شخصیت مجرم، عمل به اهمیت عمل ارتكابی و قبح و مضار اجتماعی آن کافی نیست. برای شناختن متهم حتمن باید یک امتحان دقیق روانی به وسیله ی متخصص به عمل آید و آن گاه محیط اجتماعی و خانوادگی در نظر گرفته شود.

به نظر می رسد که با تعیین اعمال ممنوعه و تطبیق مجازات به نحوی که ذکر شد، با شخصیت واقعی مجرم ممکن است احترامی را که لازمه ی افراد انسانی است، محفوظ داشت و حقوق و آزادی های افراد را تضمین کرده، در پناه قانون نگاه داشت و در عین حال نظم جامعه را نیز تأمین نمود.

آن چه که در این مختصر تقریر گردید، دورنمایی کوچک از اصول حقوق جزای مترقی و ایده آلی است، که آرزو می شود زعمای کشور ما با توجه به آلام و بدبختی ها و مصائب ناشی از جرم و با در نظر گرفتن این که آمار و ارقام جرائم ارتكابی روزبه روز سیر صعودی را طی می نماید، به فکر تعویض اصول کهنه و قدیم بیفتند و حقوق جزایی جدید با قانون نو تصویب نمایند و اجرای آن را به قضات متخصص بسپارد، تا مجازات های غیرمتناسب با شخصیت مجرمین ریشه کن گردیده و به دلالت بازی ها و پرونده سازی ها و محکومیت های غیرمنصفانه خاتمه داده شود.

نتیجه گیری: به طور خلاصه نتایج حاصل از این تحقیق در ذیل ارائه می گردد.

۱. جرم توسط افراد تحت شرایط و اوضاع خاص قابل ارتکاب است.
۲. عوامل مختلف چون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روحی در بروز و ارتکاب جرم نقش دارد.
۳. مجازات باید با مطالعه ی دقیق شخصیت مجرم از سوی قاضی تعیین گردد، در غیر آن عواقب خوب برای اجتماع ندارد.
۴. برای تناسب هرچه بهتر مجازات با شخصیت مجرمان اندیشمندان به فکر تعویض اصول و حقوق جزایی جدید با قانون نو تصویب نمایند.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- قانون اساسی افغانستان، مصوب سال ۱۳۸۲
- ۲- کد جزای افغانستان، تکثیر از روی جریده ی رسمی وزارت عدلیه، مصوب سال ۱۳۹۶، تاریخ نشر؛ ۲۵ ثور. افغانستان، هرات، انتشارات فاروقی
- ۳- استانکزی، نصرالله. (۱۳۸۷). مبادی حقوق. افغانستان، کابل، انتشارات سیرت و مستقبل
- ۴- بررسی عوامل اقتصادی جرم را، پایان نامه دانشجوی لیسانس قوماندانی تحصیلات عالی کابل، ۱۳۹۵ خورشیدی.
- ۵- وزیر، غلام محی الدین (۱۳۶۹)، حقوق جزا در فقه اسلامی و قوانین وضعی، ج ۱
- ۶- قضاوت پوه، سروری، عبدالصیر، کریمنولوژی، چاپ دوم، ۱۳۹۱
- ۷- محزون، محمد یحی. (۱۳۹۳). لکچر نوت های درسی کریمنولوژی. قوماندانی عمومی آکادمی پولیس و قوماندانی تحصیلات عالی رهبری پولیس.

هرچند جرم را نمی توان یک امر طبیعی و غریزی و حتمی الوقوع محسوب کرد، یعنی عملی دانست که تحت قاعده و قانون بوده و در شرایط خاص انجام گرفته و غیرقابل اجتناب باشد. مثل قوانین طبیعی مع الوصف می توان جرم را یک امر اجتماعی دانست و قبول کرد. اگر اجتماع نباشد، جرمی وجود نخواهد داشت. اگر محیط مساعد و سالم باشد، فرد پرهیزکار خواهد بود، لیکن بازهم باید توجه کرد که عامل اصلی ارتکاب جرم خود اجتماع نیست.

